

مآخذشناسی متون فقهی، اصولی و قواعد فقه اهل سنت در مبسوط

مسعود انصاری^۱

محمد علی طاهری^۲

چکیده:

این پژوهش می‌کوشد با معرفی و شناخت مآخذ و منابع اهل سنت (در سه زمینه فقهی، اصولی و قواعد فقه) در "مبسوط" تألیف استاد جعفری لنگرودی جنبه‌های مقارنه‌ای و جایگاه تطبیقی این متن را مورد پژوهش قرار دهد. چرا که اعتبار و ارزش هر متنی در گرو شناخت منابع آن است و شناخت منابع، معلوم می‌دارد تطبیق و سنجش و مقارنه تا چه عمق و گستره‌ای انجام گرفته است. مبنای این پژوهش سخنی از خود مؤلف است که می‌گوید: «به کار بستن روش تطبیقی در بسیاری از مسایل حقوقی پربار و ثمربخش است.»^۳

صاحبان این قلم بر این باور هستند که کثرت رجوع مؤلف "مبسوط" به منابع فقهی، اصولی و قواعد فقهی اهل سنت به جنبه‌های تطبیقی آثار مؤلف غنا و اهمیتی دو چندان بخشیده است و از آشنایی او با علوم مرتبط و زبان و ادب عربی نشان دارد. در نتیجه این مقاله با تلاش برای ارائه تصویری از استنادات مؤلف به منابع اهل سنت در حوزه‌های پیش گفته، در صدد است زمینه‌های آشنایی مخاطبان امروزین فقه و حقوق اسلامی را با منابع مورد وثوق و اطمینان، با تبیین جایگاه اجمالی آنها، به طور ویژه در المبسوط فراهم سازد.

در نهایت باید در نظر داشت به دلیل گستردگی علوم اسلامی، به ویژه متون بین رشته‌ای و استنادهای مؤلف به مآخذ گوناگون، در این پژوهش تنها متون فقهی، اصولی و قواعد فقه مورد توجه قرار گرفته و نظر به محدودیت زمانی و ظرفیت این مقاله از متون کلیات و منابع غیرمرتبط صرف نظر شده است.

کلیدواژه: فقه تطبیقی، فقه المقارن (مقارنه و سنجش آرای فقیهان مذاهب فقهی و اصولی) مآخذشناسی، منابع فقهی اهل سنت، فقه و اصول حنفی، مالکی، شافعی؛ حنبلی، المبسوط، استاد جعفری لنگرودی، قواعد فقه، روش تحقیق.

1. پژوهشگر و مترجم .
Email: ansari_khoshabar@yahoo.com

2. عضو هیأت علمی دانشگاه دولتی بیرجند.
Email: m. taheri@birjand.ac.ir

3. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق اموال، گنج دانش، ۱۳۷۶، پیشگفتار.

فقه اسلامی

در این مقاله قصد، آن نیست که از فقه اسلامی به عنوان یک نظام حقوقی چندساحتی و گسترده و پردامنه و دانشهای مرتبط با آن تعریفی جامع ارائه دهند؛ چرا که به اقتضای حجم در این مقاله، نمی‌گنجد. بلکه هدف، بیان گزاره‌ای ساده و سنتی است که با آن مفهومی از اصطلاح فقه به عنوان فهم عمیق ناشی از ادراک جزئیات از دلایل تفصیلی حاصل آید.

این درک، گاهی از استعداد و ملکه پدید آمده در ذهن فقیه حاصل می‌شود و گاه از کندوکاو و یک اصطلاح یا جست‌وجو در متون، با دانش و احاطه‌ای که فقیه بر شرع دارد به دست می‌آید. هرگاه پدیده‌ای فرضی یا خودبنیاد، نظر فقیه را جلب کند، وی با تکیه بر مبانی مذهب و با استدلال و اجتهاد، حکم منقضی را از نصوص یا به تحلیل و استنباط خود به دست می‌دهد.

نظر به تحلیل رخدادهای و وقایع و دانش‌های پیش نیاز آن از جنبه‌های عملی شریعت اسلامی بسیار فراتر می‌رود و وارد حوزه‌های نظری، اعتقادی، اخلاقی و... می‌شود.

به باور نویسندگان مقاله مباحثی که در ماهیت خود به فقه مربوط می‌شوند را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد:

قواعد درون فقهی و قواعد برون فقهی مانند آیات احکام (وحی الهی) به عنوان مبنای استنباط و اصول فقه که جنبه‌های گوناگون زندگی بشری را اعم از اجتماعی (احکام جنایی، اصول محاکمات، احکام مدنی، احکام مالی)، مناسبات درون خانوادگی (محاکمات)، مسائل شخصی هم چون عبادات سیاسی، احوال شخصیه و حتی روابط بین‌الملل در بر می‌گیرد. این خصوصیات ویژگی‌های منحصر به فردی به فقه بخشیده است که با وجود گوناگونی با هیچ کدام از نظام‌های حقوقی دیگر قابل سنجش نیست. پیوند و تأثیر متقابل فقه و اخلاق یا حجم قواعدی که در درون فقه پدید آمده و بیرون از آن شکل گرفته است و نیز رویکردهای استدلالی و مذاهب گوناگون تنها تورم مباحث متراکم اطلاعات نیستند. اگر به قواعدی که در «الفروق» قرافی آمده است، دقیق شویم ثابت می‌شود که هر کدام از آنها گره از مشکلی فردی یا اجتماعی می‌گشاید. کافی است به شماری از متون برخوردار از نقش تاریخی مانند «الرساله شافعی» نگریسته شود تا دریابیم که فقه با چنان فریبگی (ژرفا و گسترش)، نمی‌تواند بر پایه‌های سست بایستد. کفایه آخوند خراسانی، با فضایی که به ویژه در اصول عملیه می‌گشاید (در تحولات اصولی امامیه)، موافقات شاطبی که بیان می‌دارد با به محاق رفتن اصول، اجتهاد و فقه هم، به محاق می‌رود. الفروق قرافی، که قواعدش مانند «حجه البالغه» معطوف به درک مقاصد و اسرار شریعت است و نیز دیگر متونی که در مقاصد و درک اسرار و علل شرایع نگاشته شده‌اند.

فقه مقارن (تطبیقی)

خاستگاه پیدایش فقه مقارن در تاریخ تشریح اسلامی، با رسمیت یافتن مشروعیت اختلاف در اجتهاد، از زمان صحابیان آغاز شد و از همان آغاز، از آن به "فقه‌الخلافا" یا "علم‌الخلافا" یاد می‌کردند و این اختلافات، در گستره ستوده‌اش، ناشی از تفاوت در فهم نصوص و دلایل (اختلاف اندیشه)، تعارض دلایل،

ناآگاهی از دلایل، اختلاف قرائتها، اختلاف در نقد متن و روایت، مبانی پذیرفته شده فقیهان مذاهب، معین نبودن محل نزاع و... بود که از همان آغاز به پیدایی متونی در این زمینه منتهی شد.

در اهل سنت مهمترین منابع و آثار فقه تطبیقی عبارتند از: اختلاف الفقها، محمد بن جریر طبری، ابن جعفر طحاوی و محمد بن محمد باهلی، اختلاف العلماء، محمد بن نصر مروزی، الاوسط فی السنن والاجماع والاختلاف، ابن منذر، مختصر الکفایه، عبدی، بدایع الصنایع کاشانی، الخلافیات، بیهقی، بدایه المجتهد ابن رشد، الحاوی، ماوردی و بخشهایی از المغنی، ابن قدامه و... که بعدها متون روشمندتری در دوران متأخر مانند الفقه الاسلامی و ادلته، وهبه زحیلی، الفقه الاسلامی المقارن، الدرینی، الفقه المقارن، محمدرأفت، الفقه علی المذاهب الاربعه و... پدید آمدند. از منابع فقه مقارن امامیه نیز می توان از "الاعلام بما اتفقت علیه الامامیه من الاحکام، شیخ مفید، الانتصار، سید مرتضی، الخلاف، شیخ طوسی" و از متأخرین "الفقه علی المذاهب الخمسه، محمدجواد مغنیه و الفقه المقارن محمد ابراهیم جناتی" نام برد. آنچه در خوانش این متون اهمیت دارد، نه اختلاف نظرگاهها، بلکه فرصتی است که برای تضارب آراء، فهم متقابل، درک مبانی و روشهای اتخاذ شده در بیان مطالب فراهم می آورد و گذشته از این اختلافها می باید در فضای آزادی درنگ کرد که این آرای متفاوت در آن مجال ظهور یافته اند.

مبسوط و گستردگی منابع:

درباره گستردگی منابع کتاب المبسوط و روشمندی و انتقادات و مباحث احتمالی دیگر، باید در فرصت دیگری سخن گفت؛ اما آنچه مورد نظر این مقاله است، گستردگی منابع فقهی مذاهب اهل سنت در این کتاب است. آنچه از زمان تألیف اثر و روش به کار گرفته در آن به دست می آید، نشان از آن دارد که مؤلف دانشمند، این متون را شخصاً دیده و از مداخل، به رسم سنتی و دیرین فیش برداری کرده و منابع مشترک را به کتاب منتقل کرده است، البته این کار به تلاشی توانفرسا نیاز داشته است. نگارندگان این سطور با بررسی همه منابع "مبسوط" مهمترین متون فقهی، قواعد فقه و اصول فقهی و مذاهب گوناگون فقهی اهل سنت (شافعی، حنفی، مالکی، حنبلی، ظاهری و تطبیقی) را استخراج کرده اند تا دورنمایی برای به دست آوردن چشم اندازی از منابع تطبیقی این مذاهب در این اثر به دست آید و در آغاز از گزارشی کوتاه از هر کدام از مذاهب ناگزیر بوده ایم.

۱- حنفیه:

به فقیهان پیرو امام اعظم، نعمان بن ثابت بن زوطی کوفی (۸۰-۱۵۰) اطلاق می شود که شاگردانش، ابویوسف یعقوب بن ابراهیم کوفی (۱۱۳-۱۸۲ هـ ق) و محمد بن حسن شیبانی (۱۳۲-۱۸۹ هـ ق) در تدوین مذهبش کوشیدند و زفر بن هذیل بن قیس (۱۱۰-۱۵۸ هـ ق) و حسن بن زیاد اللولوی (م. ۲۰۴) تلاش های آنان را کامل کردند که به طور ویژه اساس فتوا در این مذهب، بیشتر نگاه و نظر اتفاقی صاحبین (ابویوسف و شیبانی) است. منابع فقه مذهب حنفی به طور خلاصه رأی و روایت و مبانی استنباط در آن، کتاب، سنت، فتاوی صاحبان، اجماع، قیاس، استحسان و عرف است.

منابع فقهی حنفی مورد استناد در مبسوط:

استاد جعفری لنگرودی در اثر خویش بیش از متون هر مذهبی از منابع فقه حنفیه بهره برده است (نظر به آنکه منابع مورد استناد فاقد کتابشناسی است، ویژگی‌های کلی متون، از کتابشناسی نگارندگان بیان خواهد شد):

- ۱) الخراج، قاضی ابویوسف، مشهورترین شاگرد ابوحنیفه. بولاق، ۱۳۰۲.
- ۲) رد المحتار، شرح ابن عابدین بر ((الدر المختار)) حصفکی است. مصر مطبعه البابی الحلبي، بی‌تا.
- ۳) احکام الذمیین و المستامنین، عبدالکریم زیدان، از معاصرین و از دانشمندان عراقی است. بغداد. جامعه بغداد. بی‌تا.
- ۴) الفرد و الدوله فی الشریعه الاسلامیه، عبد الکریم زیدان. بیروت. موسسه الرساله الناشرین. ۱۹۹۰.
- ۵) معین الاحکام، علا الدین طرابلسی (م ۸۴۴ هـ ق) مصر. مصطفی البابی الحلبي. ۱۳۹۳ هـ ق.
- ۶) المبسوط، محمد بن احمد بن ابی سهل السرخسی (م ۴۸۴ هـ ق) بیروت. مطبعه السعاده. بی‌تا.
- ۷) احکام القرآن، احمد بن الرازی جصاص (م. ۳۷ هـ ق) بیروت. موسسه التاريخ العربی. ۱۹۸۲ م.
- ۸) بدایع الصنایع، ابوبکر بن مسعود الکاسانی (م ۵۸۷ هـ ق) بیروت دار الکتب العلمیه ۱۴۰۶ هـ ق.
- ۹) مجموعه رسایل ابن عابدین، محمد امین افندی حنفی، مشهور به ابن عابدین (۱۱۹۸-۱۲۵۲ هـ ق) بیروت. دار احیا تراث العربی. بی‌تا.
- ۱۰) مجمع الضمانات فی مذهب الامام الاعظم، غیاث الدین، ابو محمد بن غانم بن محمد بغدادی (م ۱۰۳۰ هـ ق) بیروت دار الکتب الاسلامی. ۲۰۱۰ م.
- ۱۱) جواهر الاحکام، سراج الدین علی الفرغانی ماتریدی حنفی.
- ۱۲) الرد علی سیر الاوزاعی، قاضی ابی یوسف، که در رد نظرگاه‌های فقهی، نظر به اختلاف نظر گاه‌های حنیفه و اوزاعی نوشته شده است..
- ۱۳) البحر الرائق، زین الدین بن ابراهیم بن محمد، معروف به ابن نجم مصری (۹۲۶-۹۶۹-۹۷۰ هـ ق) مصر. مطبعه البابی الحلبي. ۱۳۲۴ هـ ق.
- ۱۴) جامع الفصولین، محمود بن اسرائیل، مشهور به ابن قاضی صماوئه، که موضوع آن خصومت و دعاوی است.
- ۱۵) تبیین الحقایق فی شرح کنز الدقایق، عثمان بن علی بن محجن بن البارعی، فخرالدین الزیعلی الحنفی (م ۷۴۳ هـ ق) هند. المطبعه الامیریہ. بی‌تا.
- ۱۶) مجمع الانهر فی شرح ملتقی الابرار، عبدالله بن شیخ محمد بن سلیمان، معروف به داماد افندی. بیروت. دار الکتب العلمیه. ۱۴۱۹ هـ صصق.
- ۱۷) شرح کتاب السیر الکبیر، محمد بن احمد السرخسی که شرحی است بر ((السیر الکبیر)) شیبانی شاگرد ابوحنیفه. فقیه و اصول حنفی.
- ۱۸) الفتاوی الهندیه. جماعه من علما الهند. بیروت دار الفكر. ۱۴۱۱ هـ ق.

۱۹) فتح المعین بشرح قره العین بمهمات الدین، احمد بن عبد العزیز بن زین الدین بن علی بن احمد المصری الملباری الهندی.

۲۰) فتاوی، قاضیخان، فخر الدین حسن بن منصور الاوزجندی الفرغانی (م ۵۹۲ هـ ق)

منابع اصول فقه حنفی

در ((مبسوط)) از سه متن اصولی حنفی استفاده شده است که عبارتند از: ۱) اصول الفقه/محمد بن احمد بن ابی سهل شمس الاثمه السرخسی (م ۴۸۴ هـ ق)؛ ۲) شرح المنار، نسفی عینی؛ ۳) اصول الفقه، محمد حضری بک (معاصر)

۲) مالکیه:

به فقیهان پیرو مالک بن انس (۹۳-۱۷۲ هـ ق) اطلاق می‌شود. مالک بن انس، فقیه دارالهجره، مدینه منوره بود که کتابش "الموطا" که بر پایه رسم مقرر در تصویب مباحث فقهی سامان داده شده در احادیث احکام بین عام و خاص شهرت دارد و برخی به جای سنن ابن‌ماجه آن را از صحاح شش‌گانه می‌دانند و مذهبش بین رأی و روایت، جایگاهی میانه دارد.

مبانی استنباط در فقه مالکی را ۹ مورد دانسته‌اند که ۵ مورد از آن اصلی است؛ کتاب الله و سنت رسول الله، قول صحابیان، اجماع، علم مردم مدینه و چهار مورد فرعی هم عبارتند از قیاس و استحسان و عرف و سد ذرایع و مصالح مرسله که فقیهان مالکی برای مصالح مرسله سه شرط قائلند: ۱) با اصول اسلام منافات نداشته باشد. ۲) نزد خردمندان پذیرفته باشد. ۳) به مدلول آیت "ما جعل علیکم فی الدین من حرج" حرجی را از مردم بردارد.

متون فقهی مالکیه مورد اسناد در مبسوط:

۱. تفسیر قرطبی ((الجامع الاحکام القرآن الکریم))، در ((مبسوط)) بارها به تفاسیری از قبیل تفسیر الکبیر فخرالدین رازی استناد شده است. اما تفسیر قرطبی اثر محمد بن ابی بکر بن فرح الانصاری الخزرجی (۶۰۰-۶۷۱ هـ ق) به دلیل ماهیت عمدتاً فقهی بارها مورد استناد قرار گرفته است.

۲. الشرح الصغیر، احمد بن محمد بن احمد الدردیر (۱۱۲۷-۱۲۰۱ هـ ق) از فقیهان برجسته مالکیه

۳. الفروق، احمد بن ادریس بن عبدالرحمان (۱۱۲۷-۱۲۰۱ هـ ق) بیروت. المكتبة العصریه ۱۴۲۴ هـ ق. که در مبحث قواعد از آن سخن خواهیم گفت.

۴. القوانين الفقہیہ (قوانین الاحکام)، محمد بن احمد بن جزی فاس. مطبعه النهضه. بی تا.

۳- الشافعیه:

در مبسوط به متون فقه شافعی هم مانند منابع فقه حنفی بسیار استناد شده است. شافعی به فقیهان پیرو مذهب محمد بن ادریس شافعی (۱۵۰-۲۰۴ هـ ق) اطلاق می‌شود. کتاب، سنت، اجماع و قیاس از مبانی استنباط در فقه شافعی به شمار می‌آیند که در کتاب "الرساله" در اصول فقه به آن تصریح کرده

- است و بین اصحاب رأی و اصحاب حدیث حالتی میانه دارد.
- صاحب مبسوط از منابع زیر در فقه شافعی در اثر خود استفاده کرده است:
۱. الام: محمد بن ادريس شافعی که اصولاً از آن به "الشافعی" یاد می‌کند این کتاب در واقع دربردارنده فقه و مذهب شافعی است. بیروت دار المعرفه. ۱۳۹۳ هـ ق.
 ۲. احکام السلطانیة، ابوالحسن، علی بن محمد بن محمد بن حبیب بصری بغدادی (۳۴۶-۴۵۰ هـ ق)
 ۳. الحاوی للفتاوی، جلال الدین عبدالرحمن السیوطی، (م ۹۱۱ هـ ق)، دارالفکر، بی‌تا.
 ۴. الانوار الاعمال الابرار، جمال الدین یوسف بن ابراهیم اردبیلی شافعی (م، ۸۰۷ هـ ق)
 ۵. الاشباہ و النظائر، جلال الدین عبدالرحمن السیوطی، (م ۹۱۱ هـ ق)، لبنان، دارالکتب العلمیه، (۱۴۱ هـ ق/۱۹۹۰م). یکی از مشهورترین کتاب‌های فقهی شافعی است که هم قواعد فقهی و نیز فروع و مسایل جزئی فقهی در آن آمده و اصولاً مباحث آن به موضوعاتی مربوط می‌شود که یا در دیگر متون نیامده و یا کمتر به آنها پرداخته شده است.
 ۶. ادب القاضی، ابوالحسن علی بن محمد بن محمد بن حبیب بصری بغدادی، (۳۴۶-۴۵۰ هـ ق)
 ۷. الفتاوی الفقهیه الکبری، احمد بن علی بن محمد ابن حجر الهیثمی المکی (۹۰۹-۹۷۴ هـ ق)، بزروت دار الفکر. بی‌تا. مجموعه‌ای گسترده از پرسش‌های مهمی است که از این حجر استفاده شده و او نیز پاسخ داده است.
 ۸. الفوائد المدنیة فیمن یفتی بقوله من ائمة الشافعیة، محمد بن سلیمان الکردی الشافعی (۱۱۲۷-۱۱۹۷ هـ ق).
 ۹. مغنی المحتاج الیدمعرفه معانی الفاظ المنهاج، شمس الدین، محمد بن احمد الخطیب الشربینی الشافعی (م ۹۷۷ هـ ق)، لبنان، دارالکتب علمیه، ۱۴۱۵، هـ ق. ۱۹۹۴ م.
 ۱۰. نهایه المحتاج الی شرح المنهاج، شمس الدین محمد بن ابی العباس احمد بن حمزه بن شهاب‌الدین الرملی المنوفی المصری الانصاری (م، ۱۰۰۴ هـ ق). بیروت. دار الفکر. ۱۴۰۴ هـ ق
 ۱۱. فتاوی السبکی، ابی الحسن، تقی الدین علی بن عبدالکافی السبکی (۶۸۳-۷۵۶ هـ ق) لبنان، بیروت، الدار المعرفه.
 ۱۱. المجموع، شرح المذهب، محیی الدین، ابو زکریا، یحیی بن شرف النووی (م ۶۷۶ هـ ق) از مهمترین کتابهای فقهی شافعی (که جنبه تطبیقی هم دارد)، لبنان دارالفکر، ۲۰۱۰ هـ ق.
 ۱۲. احیا علوم دین (ترجمه فارسی)، محمد بن محمد غزالی طوسی (۴۵۰-۵۰۵ هـ ق). تهران ۱۳۵۱
 ۱۳. اعانه الطالبین، علی حل الفاظ فتح المعین، عثمان محمدشطا الکبری‌الدمیاطی (م، ۱۳۱۰ هـ ق)، لبنان، دار الفکر الشافعی للطباعه والنشر و التوزیع، چاپ اول، ۱۴۱۸ هـ ق، ۱۹۹۷ م.
 ۱۴. المذهب فی فقه الامام الشافعی، ابواسحاق ابراهیم بن علی بن یوسف الشیرازی (م ۴۷۶ هـ ق)، لبنان، دار المکتب العلمیه، ۲۰۱۰ م

۱۵. فتح الجواد شرح الارشاد علی متن الارشاد، احمد بن علی بن محمد بن علی بن حجر الهیتمی المکی الشافعی (۹۰۹-۹۷۴ هـ ق)، لبنان، دارالکتاب علمی، ۱۴۲۶ هـ ق، ۲۰۵ م
۱۶. کفایه الاخبار فی حل غایه الاختصار، ابوبکر، محمد بن عبدالمومن بت جریر بن معلی الحسینی الحصنی دمشقی الشافعی (۷۵۲-۸۲۹ هـ ق)، جدّه، دار المنهاج، چاپ دوم، ۱۴۲۹ هـ ق-۲۰۰۸ م.

متون اصولی شافعی مورد استناد در مبسوط

۱. المستصفی من علم الاصول، محمد بن محمد غزالی طوسی (۴۵۰-۵۰۵ هـ ق)، بیروت، دار الکتاب العلمیه، ۱۴۱۳ هـ ق
۲. الاحکام فی اصول الاحکام، سیف الدین علی بن ابی علی بن محمد بن سالم ثعلبی آمدی (م ۶۳۱ هـ ق)، بیروت، المکتب الاسلامی، ۲۰۱۰ م.

۴- حنبلیه:

فقیهان پیروان مکتب فقهی احمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن اسد بن ادیس بن عبدالله الشیبانی المروزی البغدادی (۱۶۴-۲۴۱ هـ ق)، منابع فقه حنبلی عبارتند از: کتاب خدا، سنت رسول خدا (ص)، فتاوی صحابیان، قیاس (در صورت ضرورت) که اینها مصادر اصلی استنباط در فقه حنبلی هستند، ولی فقیهان حنبلی به منابع فرعی نیز گاهی نظر دارند. آنان بر این باورند که تحقق اجماع بسیار دشوار است. حنبلی درباره اجماع اما نقطه نظرهایی دارند.

متون فقهی حنبلی مورد استناد در مبسوط:

۱. اعلام الموقعین عن رب العالمین، محمد بن ابی بکر مشهور به ابن القیم الجوزیه، (۶۹۱-۷۵۱ هـ ق) بیروت، دارالجلیل، ۱۹۷۳.
۲. المغنی، عبدالله بن احمد بن محمد بن قدامه مقدسی، اردن، بیت الافکار الدولیه، ۲۰۰۴.
۳. احکام اهل الذمه، محمد بن ابی بکر مشهور به ابن القیم الجوزیه (۶۹۱-۷۵۱ هـ ق)، الدمام، رمادی للنشر، ۱۴۱۸ هـ ق. ۱۹۹۷ م.
۴. العذب الفاضل، شرح عمده الفارض، ابراهیم بن عبدالله بن ابراهیم بن سیف الشمری الحنبلی، بیروت، دار الفکر.
۵. کشاف القناع عن متن الاقناع، منصور بن یونس بن ادیس البهوتی، لبنان دارالفکر ۱۴۰۲.
۶. بدایه المجتهد، محمد بن احمد بن محمد بن احمد بن رشد القرطبی، مشهور به ابن رشد حفید (م ۵۹۵ هـ ق)، مصر، مطبعه البابی الحلبی و اولاده. ۱۳۹۵ هـ ق/۱۹۷۷

متون قواعد فقه:

۱. الاشباه و النظائر، زین الدین بن ابراهیم بن محمد، معروف به ابن نجیم مصری (حنفی)، مصر، دار الطباعه العامره، ۱۲۹۰ هـ ق.

۲. القوالد الفقه الاسلامی، عبد الرحمن بن احمد بن رجب حنبلی (م ۷۹۵ هـ ق). مصر، مكتبة الكليات الأزهرية. ۱۳۹ هـ ق / ۱۹۷۱ م.
۳. الفروق (انوار البروق فی أنواع الفروق)، احمد بن ادريس الصنهاجی القرافی (م ۶۸۴ هـ ق) بیروت، دار الكتب العلمية، ۱۳۱۸ هـ ق / ۱۹۹۸ م.
- متنی است در علم قواعد و فروق و کلیات و ضوابط فقهی که یکی از کامل‌ترین متون در این زمینه است.
۴. درر الحکام، شرح مجله الأحکام، علی حیدر خواجه امین افندی (قواعد فقه حنفی و همچنین فقه حنفی)، بیروت، دار عالم الكتب، ۱۴۲۳ هـ ق / ۲۰۰۳ میلادی.
۵. المواهب السنيه علی نظم الفرائد البهیه، فی نظم القواعد الفقهیه (فی الأشباه و النظائر علی مذهب الشافعیة)،
- ابی الفیض، محمد یاسین بن عیسی الفادانی المکی، بیروت، دار البشائر الإسلامیة، ۱۴۱۷ هـ ق / ۱۹۹۶ م.
- این‌ها عمده‌ترین متونی هستند که در قواعد فقه مذاهب اهل سنت بیشتر مورد استناد قرار گرفته‌اند.

متون عام و تطبیقی فقهی و اصولی:

۱. موسوعه عبدالناصر الفقهیه (موسوعه الفقه الإسلامی)، وزارة الاوقاف المصریة قاهره، ۱۴۰۶ هـ / ۱۹۸۶ م.
۲. نیل الأوتار، من أحادیث سید الأخیار، شرح منتقی الأخبار، محمد بن علی بن محمد الشوکانی، (۱۱۷۳-۱۲۵۰ هـ ق)، الدمام، دار ابن جوزی.
۳. المحلی، علی بن احمد بن سعید بن حزم الظاهری الاندلسی، (۳۸۳-۴۵۶ هـ ق)، بیروت، دار الآفاق الجدیدة، بی تا.
۴. الأحکام فی اصول الأحکام، علی بن احمد بن حزم اندلسی (۳۸۳-۴۵۶ هـ ق) قاهره، دار الحدیث.
۵. المعتمد فی اصول الفقه، محمد بن علی بن الطیب البصری المعتزلی (م ۴۳۶ هـ ق)، دمشق، المعهد العلمی الفرنسی للدراسات العربیة، ۱۳۸۴ هـ ق / ۱۹۶۴ م.
۶. موسوعه العقاد الإسلامیة، عباس محمود، عقاد، بیروت، دار الكتاب العربی، ۱۳۹۱ هـ ق / ۱۹۷۱ م.
۱. الأموال، قاسم بن سلام هروی (م ۲۲۴ هـ ق)، قاهره، ۱۳۹۵ هـ ق.
۲. المدخل فی الفقه الإسلامی، محمد مصطفی الشلبی، قاهره، دار النهضة العربیة، ۱۹۸۵ م.

نتیجه‌گیری:

از مجموع آنچه گفته شد نتیجه گرفته می‌شود، صاحب مبسوط، در گستره‌ای قابل قبول، از اصلی‌ترین متون مذاهب فقهی و اصولی اهل سنت بهره برده است. هر چند جا داشت متون اصولی بیشتری را مورد استناد قرار دهد. ارجاعات استاد جعفری لنگرودی در این اثر، به ویژه، برای محققانی که می‌خواهند در موضوعات جزئی‌تری پژوهش کنند، بسیار مفید و راهگشاست.

منابع و مأخذ:

۱. ابن ندیم، محمد بن اطحاق (۱۳۹۸ هـ.ق)، الفهرست، بیروت، دار المعرفه.
۲. الجزیری، عبد الرحمن (بی تا)، الفقه علی المذاهب الاربعه، بیروت، شرکه دار الارقم بن ابی الارقم.
۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۷۶)، حقوق اموال، تهران، گنج دانش.
۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۷۸)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران گنج دانش.
۵. حاجی خلیفه، المولی مصطفی بن عبد الله القسطنطینی الرومی الحنفی (۱۴۱۳ هـ.ق)، کشف الظنون، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۶. زحیلی، وهبه (بی تا)، الفقه الاسلامی وادلته، دمشق، دار الفکر.
۷. زرکلی، خیر الدین (۲۰۰۲ م)، الاعلام، بیروت دار العلم للملایین.
۸. سرکیس، یوسف الیان (۱۳۴۶ هـ.ق)، معجم المطبوعات، مصر، مطبعه سرکیس.
۹. الشکعه، الایمه الاربعه (۱۴۱۱ هـ.ق)، قاهره، دار الکتب المصری.
۱۰. منابع مورد استناد در "مبسوط" به تفصیل متن مقاله.

